



General Foundations of the Effectiveness of Iran's Accession to the World Trade Organization on Oil Contracts

Rouhollah Maleki *

Assistant Professor, Department of Law, Faculty of Humanities, Islamic Azad University, Andimeshk Branch, Andimeshk, Iran.

Amir Mozaffari

Master's Student, Department of Public Law, Faculty of Humanities, Islamic Azad University, Dezful Branch, Dezful, Iran.

Abstract

The requirements of international relations, such as the diversity of resources and needs in the framework of the global community, make it inevitable for countries to conduct commercial exchanges at the international level. In this regard, organizations such as the World Trade Organization have facilitated such exchanges. In order for countries to be able to join the aforementioned organization, it is necessary to match their goals and principles with the rules of the organization. Therefore, in line with the progress of economic conditions, the principles related to export and import in countries should be regulated in a way that can be useful and effective in the process of joining and accession to the World Trade Organization. For a very long time, Iran has been trying to change its principles and rules in line with the principles of the World Trade Organization. The important reason for the delay in the process of our country's accession to the said organization is the existence of a series of contradictions in trade and foreign policies. The purpose of the present research is to examine the foundations of Iran's accession to the World Trade Organization and its effect on oil contracts from the perspective of public law, using a descriptive-analytical method. The results indicate that the foundations of Iran's accession to the World Trade Organization are the existence of some special concessions, public interests and international standards. Iran's accession to the World Trade Organization has some dual effects on oil contracts in the form of achievements and consequences.

Keywords: oil contract, world trade organization, Iran, public law

Received: 22/November/2024

Accepted: 18/February/2025

eISSN: 2783-4204

ISSN: 2783-3631

مبانی عمومی اثربخشی الحاق ایران به سازمان جهانی تجارت بر قراردادهای نفتی

استادیار، گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اندیمشک،
اندیمشک، ایران.

روح‌اله ملکی *

دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه حقوق عمومی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه
آزاد اسلامی واحد دزفول، دزفول، ایران.

امیر مظفری

چکیده

الزامات روابط بین‌المللی همچون تنوع منابع و نیازها در بستر جامعه جهانی، کشورها را ناگزیر از انجام مبادلات بازرگانی در سطح بین‌المللی می‌نماید. در این راستا، ارگان‌هایی نظیر سازمان جهانی تجارت، چنین مبادلاتی را سهولت بخشیده‌اند. کشورها برای پیوستن به سازمان مذکور ضرورت دارد مقاصد و اصولشان را با قواعد سازمان تطابق دهند. لذا در راستای پیشرفت شرایط اقتصادی، اصول مرتبط با صادرات و واردات در کشورها بایستی به شکلی مورد تنظیم قرار گیرد که بتواند در فرایند پیوستن و الحاق آن‌ها به سازمان جهانی تجارت، مفید و مؤثر واقع گردد. ایران در یک بازه زمانی بسیار طولانی همواره در تلاش بوده تا اصول و قواعدش را هم‌سو و هم‌جهت با اصول سازمان جهانی تجارت تغییر دهد؛ اما دلیل مهم تعویق در روند الحاق کشور ما به سازمان مذکور، وجود یک سری تناقضات گوناگون در سیاست‌های تجاری و خارجی بوده است. اهتمام پژوهش حاضر، بررسی مبانی الحاق ایران به سازمان جهانی تجارت و اثر آن بر قراردادهای نفتی از منظر حقوق عمومی بوده که به روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است. نتایج حاکی از آن است که مبانی الحاق ایران به سازمان جهانی تجارت، وجود برخی امتیازات خاص، منافع عمومی و استانداردهای بین‌المللی است. الحاق ایران به سازمان جهانی تجارت با برخی آثار دوگانه به صورت دستاورد و پیامد بر قراردادهای نفتی همراه است.

کلیدواژه‌ها: قرارداد نفتی، سازمان جهانی تجارت، ایران، حقوق عمومی

۱- مقدمه

سازمان جهانی تجارت با بیش از ۱۶۰ عضو، حدود ۹۸ درصد از تجارت جهانی را سازمان‌دهی می‌نماید. با وجود پیچیدگی و فشارهای اقتصادی که ممکن است در مدت‌زمان بسیار کوتاهی برای کشور رقم بخورد، با عضویت ایران در سازمان مذکور، به‌نوعی می‌توان امیدوار بود از جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و بالأخص ارتقای سطح جهانی تجارت ایران در بلندمدت، منافع بسیاری نصیب ایران گردد؛ بنابراین، موضوعی اجتناب‌ناپذیر به شمار می‌آید. آزادی تجارت، کاستن تعرفه‌ها و کنار گذاشتن و حذف موانع غیر تعرفه‌ای، جزء مقاصد و اصول سازمان جهانی تجارت تلقی می‌گردد. به همین علت، اصول و قوانینی در سازمان مذکور مورد تدوین قرار گرفته که هر کشور متقاضی عضویت بایستی مقررات و قوانین داخلی خود را با این قواعد تطابق دهد. قانون و مقررات صادرات و واردات، از جمله قوانین و مقررات داخلی ایران است که اهمیت بسیاری در خصوص تجارت جهانی داشته و نیاز مبرمی به مطابقت با قوانین و مقررات سازمان جهانی تجارت دارد. به جهت تسریع فرایند جهانی شدن و به‌کارگیری منافع آن، کشورها در پی رشد و توسعه سازمان جهانی تجارت هستند. ایران بعد از سال‌ها بررسی، مشاوره، تحقیق و ارزیابی آثار منفی و مثبت، تقاضای عضویت در این سازمان را در ۱۹ ژوئیه ۱۹۹۶ به این نهاد ارسال نمود.

باین‌حال، درخواست ایران مبنی بر عضویت در سازمان جهانی تجارت به دلایلی مورد پذیرش قرار نگرفته و پذیرش آن فقط در حد عضو ناظر، مورد قبول واقع گردیده است. راهیابی به این سازمان، اقتصاد کشورها را جهت رقابت در عرصه جهانی و پیشرفت در زمینه تجارت بین‌المللی مهیا می‌سازد. نتیجه اینکه تجارت آزاد که امروزه از اصول مهم سازمان مذکور به شمار می‌آید، بر مبنای قواعد و معیارهای جهانی مورد تنظیم قرار گرفته و در مقام رفع نیازهای خود و سایرین، زمینه‌های ارتقا و پیشرفت کشورها را فراهم می‌سازد؛ البته، الحاق به آن، به این معنا نیست که کلیه شروط و الزامات مشخص‌شده از جانب سازمان فوراً قابل اجرا باشد.

بر این اساس، جهانی شدن تحت عنوان یک روند رو به جلو و غیرقابل اجتناب مطرح بوده و رقابت بسیار نزدیک در عرصه انرژی و بالأخص نفت و گاز که از نتایج جهانی شدن اقتصاد تلقی می‌گردد، منتج به تجدید سلسله ساختار در صنایع نفت و گاز شده که خود دربرگیرنده خصوصی‌سازی، ادغام‌ها، تغییر قوانین، تجدید سلسله ساختار سازمانی و اداری شرکت‌های مربوطه و غیره است. قاعدتاً رقابت در بخش نفت و گاز در فرایند جهانی شدن، هم شدیدتر و هم سخت‌تر از سایر حوزه‌ها خواهد بود. بدین ترتیب، دولت‌ها و سرمایه‌گذاران در خصوص انرژی بایستی از نیروهای بسیار عمده‌ای که موجب بروز این تغییرات می‌گردند، مطلع شده و آگاهی پیدا کنند.

۲- شناخت سازمان و فرآیند عضویت ایران در سازمان جهانی تجارت

سازمان جهانی تجارت در مقایسه با دیگر سازمان‌های بین‌المللی، سازمانی جدیدالتأسیس محسوب می‌شود که درواقع، برآمده از موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت (گات) است. فرایند عضویت در سازمان جهانی تجارت، طولانی و پیچیده بوده و با عضویت در سایر سازمان‌های بین‌المللی به‌طور کامل تفاوت دارد. الحاق یا پیوستن به سازمان مذکور در کل شامل طی کردن روندی از مذاکرات است؛ به این مفهوم که کشور متقاضی عضویت در این سازمان، طی انجام مراحل متعدد زمان‌گیر و در قالب مذاکرات دوجانبه و یا چندجانبه بایستی برای مشخص کردن شرایط عضویت با گروه کاری به توافق برسد و چنین نیست که الزامات استاندارد وجود داشته باشد و با رعایت این استانداردها، هر کشوری به‌صورت خودکار به عضویت این سازمان درآید.

ماده ۱۲ موافقت‌نامه تأسیس سازمان جهانی تجارت که به نحوه پیوستن کشورها به سازمان اشاره دارد، این چنین تدوین گردیده است که پیوستن هر کشور به سازمان جهانی تجارت بایستی بر مبنای شروط مورد توافق بین دولت

متقاضی و سازمان انجام پذیرد. شروط مورد توافق نیز اموری تلقی می‌گردند که در طول مذاکرات آشکار می‌گردد و تا پیش از انجام مذاکرات و تنظیم پروتکل، در زمینه پیوستن کشور مربوطه و معین کردن تعهدات هر کشور در بستر و زمینه گشایش بازار کار و خدمات خود به روی دیگر اعضا، توافقی انجام نمی‌پذیرد. تقاضای پیوستن و الحاق کشور ما تا نزدیک به ۵ سال بعد در دستور کار جلسات شورای عمومی واقع نشد؛ اما بعد از اقدامات دیپلماتیک دولت و رایزنی با کشورهای مختلف و اعمال فشار آن‌ها بر سازمان جهانی تجارت، در نهایت نشست شورای عمومی در سال ۱۳۸۰ برای نخستین بار بررسی تقاضای الحاق کشورمان را در دستور کار خود قرار داد. در نشست مذکور بعد از طرح موضوع به واسطه رئیس جلسه شورای عمومی، نماینده کشور ایالات متحده آمریکا بیان نمود که: دولتش در حال حاضر مشغول به بررسی داخلی موضوع مورد بحث بوده و اکنون در شرایطی قرار ندارد که در خصوص تقاضای الحاق کشور ایران بحث نماید. اظهارات نمایندگی کشور آمریکا در ۲۲ نشست دیگر شورای عمومی در سال‌های ۱۳۸۰ الی ۱۳۸۳ هم مورد تکرار قرار گرفت و مانع از کسب اجماع بر سر تشکیل گروه کاری الحاق کشور ما و آغاز مذاکرات الحاق شد. با این حال، با پشتیبانی و حمایت گسترده اعضا سازمان، بالأخص گروه کشورهای در حال توسعه، کماکان تقاضای الحاق ایران در دستور کار جلسات شورای عمومی باقی ماند.

سرانجام، بیست و سومین نشست شورای عمومی در راستای بررسی درخواست و تقاضای پیوستن و الحاق کشور ما در سال ۱۳۸۴ تشکیل گردید و کشور ما به عنوان عضو ناظر سازمان جهانی تجارت درآمد و روند عضویت کامل این سازمان را شروع نمود. لذا، بعد از یک دهه وقفه کشور ما به صورت عضو ناظر به این سازمان ملحق گردید؛ اما هنوز به عنوان عضو اصلی پذیرفته نشده است.

۳- جایگاه نفت در مناسبات تجارت جهانی

در طول سالیان متمادی فرض بر این بود که نفت از حوزه مذاکرات گات خارج است؛ ولیکن در هیچ بند و یا ماده‌ای از توافق‌نامه‌های گات و WTO به این موضوع اشاره نشده که نفت و فرآورده‌های نفتی مستثنا از قانون و مقررات تجارت آزاد جهانی هستند. اگرچه نفت در هیچ کدام از دوره‌های مذاکرات گات به صورت مستقیم موضوع بحث نبوده است؛ لیکن موضوعات بسیاری که رابطه‌ای نزدیک با نفت و فرآورده‌های نفتی و منافع کشورهای صادرکننده نفت دارند، در مذاکرات گات مطرح گردیده و مذاکره شده‌اند.

علاوه بر حوزه نفت، در سایر حوزه‌ها نیز می‌توان از عضویت در سازمان جهانی تجارت بهره گرفت و تأثیر آن را بر آزادی تجارت، کاستن تعرفه‌ها و حذف موانع غیر تعرفه‌ای و به صورت کلی تر بر اقتصاد کشور و سطح رفاه جامعه ملاحظه نمود. از طرفی، الحاق ایران به این سازمان می‌تواند همراه با رعایت الزامات قانونی و تغییر قوانین داخلی باشد.

۴- الزامات حقوقی ایران در فرایند الحاق به سازمان جهانی تجارت

در شرایطی که کشور ما بخواهد عضو سازمان جهانی تجارت شود، بایستی معاهدات بین‌المللی بسیار فراوانی را قبول کرده و همچنین، تعدیلات بسیار زیادی را نیز در قانون و مقررات داخلی خود صورت دهد. در ادامه به ذکر این معاهدات و مصادیق تعدیلاتی که بایستی کشور متقاضی به عضویت در همین سازمان انجام دهد، پرداخته می‌شود. قطعاً معاهدات مذکور با در نظر گرفتن نقاط اشتراک و افتراق مفاد آن‌ها با قوانین، رویه‌ها و سیاست‌های صنعتی در کشور ما، در صورت عضویت احتمالی در سازمان جهانی تجارت، تعدیلات فراوانی بایستی در بخش‌های متعدد مربوط به صنعت کشور انجام پذیرد. لذا در ادامه به بررسی و مرور این موضوعات می‌پردازیم.

۴-۱- قانون اساسی

یکی از مغایرت‌های ابتدایی مفاد موافقت‌نامه‌های سازمان جهانی تجارت با نظام اقتصادی کشور ما که باید مورد بررسی قرار گرفته و در صورتی که ایران بخواهد به عضویت این سازمان درآید، باید آن را تغییر دهد، در اصل ۴۴ پنهان شده است. بر مبنای این اصل، بازرگانی خارجی دولتی است. یکی از اهداف گات و سازمان جهانی تجارت، هرچه کمرنگ‌تر کردن نقش دولت در تجارت کالاهای اساسی و نیز هدایت اقتصاد غیردولتی است. اصل ۴۴ قانون اساسی، موارد ذیل را در دسترس دولت قرار داده است: صنایع بزرگ و مادر، بازرگانی خارجی، بانکداری، بیمه، راه‌آهن و کشتیرانی و هواپیمایی و معادن بزرگ، سدها و ارتباطات. با وجود این، عملاً اصل مذکور مورد رعایت قرار نمی‌گیرد و بخش‌های خصوصی و شبه‌خصوصی درگیر فعالیت‌های بازرگانی خارجی هستند؛ در صورتی که بر اساس اصل ۱۶ اصول و ضوابط گات در رابطه با دسترسی به بازار، اصل آزادسازی تجاری در دسته اصول حاکم بر گات بوده که در رابطه با ملحق شدن کشورها به سازمان جهانی تجارت مدنظر واقع می‌شود (رشیدی، ۱۳۹۴، ص ۹۲).

چنین معضلی با در نظر گرفتن مصوبه رهبری به عنوان سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، تا حد و حدودی، برطرف گردیده است. لذا در مصوبه مذکور، زمینه‌های ضروری در راستای برقراری بسترهای فعالیت آزاد بخش خصوصی ارائه شده است. از مصادیق حائز اهمیت جهت پیوستن کشور ما به سازمان جهانی تجارت، اصل ۸۱ قانون اساسی تلقی می‌گردد. مطابق با اصل مذکور، اعطای امتیاز تشکیل شرکت‌ها و مؤسسات در امور تجاری، صنعتی، کشاورزی، معادن و خدمات به طرف خارجی، به صورت مطلق، امری ممنوع اعلام گردیده است (حقی، ۱۳۹۹، ص ۷۷).

بر مبنای موافقت‌نامه‌های سازمان جهانی تجارت، تمامی اعضاء قادر خواهند بود نسبت به ارائه خدمات مربوط به مصادیق مذکور در دیگر جوامع عضو مبادرت ورزند و همچنین، این مسئله با مفاد اصل مزبور، در تعارض است. با وجود آنکه بر مبنای تفسیر شورای نگهبان قانون اساسی، شرکت‌های خارجی که با نهاد و دستگاه‌های دولتی کشور ما قرارداد قانونی منعقد ساخته‌اند، خواهند توانست در راستای انجام آن دسته از امور قانونی و حتی فعالیت‌هایشان در چهارچوب قراردادهای منعقدشده بر مبنای ماده ۳ قانون ثبت شرکت‌ها، به ثبت شعبشان در کشور ما اقدام ورزند و نیز این مسئله، با اصل ۸۱ قانون اساسی ایران، دارای مغایرت نیست (حقی، ۱۳۹۹، ص ۹۸).

لازم به بیان است که بر اساس رویه‌ای که اعضاء گات جهت مذاکره در این خصوص، مدنظر قرار دادند، جوامع مذاکره‌کننده قادرند رشته‌های خدماتی ویژه‌ای را که نیاز دارند و به حمایت داخلی وابسته هستند، در دسته مذاکره قرار ندهند. این امر در حالی است که مجاز نیستند کلیه رشته‌های خدماتی مدنظر را از مذاکرات خارج نمایند. قاعدتاً با در نظر گرفتن مسئله مورد بحث به نوعی می‌توان رشته‌های خدماتی ویژه‌ای را که دارای حساسیت بسیار بالایی هستند، مشمول مذاکرات در نظر نگرفت. لازم به ذکر است که از نظر قانونی در راستای ایجاد شرکت سهامی سرمایه‌گذاری خارجی تا حد ۴۹ درصد از سهام، منع قانونی وجود نداشته؛ اما تفسیر آن، از جمله تکالیف شورای نگهبان تلقی می‌گردد (رشیدی، ۱۳۹۴، ص ۹۲).

از طرفی نیز در قوانین سازمان جهانی تجارت آورده شده است که: هر کشور عضو در سازمان جهانی تجارت قادر خواهد بود در سایر جوامع سازمان، مشروط به آنکه کشور مربوطه اجازه دهد امتیاز تأسیس شرکت را دارا باشد و این نیز مغایر با قانون اساسی ما بوده و در صورت پیوستن بایستی مدنظر واقع شود؛ لذا بند دوم ماده ۱۶ موافقت‌نامه عمومی خدمات گات در خصوص دسترسی به بازار در رابطه با تجارت خدمات ضمن درج شروطی در رابطه با دسترسی به بازار اذعان داشته است که من جمله اقداماتی که یک عضو بایستی به انجام رساند، ایجاد محدودیت در رابطه با شرکت سرمایه‌گذاری خارجی از نظر حداکثر درصد سهام خارجی و یا بر حسب کل ارزش هر کدام و یا مجموعه

سرمایه گذاری خارجی بوده است. باید بیان نمود که ماده ۴۵ قانون جلب و حمایت سرمایه گذاری خارجی اذعان داشته است که ماده ۴۵ قانون جلب و حمایت سرمایه گذاری خارجی اذعان داشته است که صاحب سرمایه مجاز بوده هر سال سود ویژه به دست آمده از به کار انداختن سرمایه اش را در کشور ما، تا میزانی که در آیین نامه در نظر گرفته شده است، به همان ارزی که سرمایه اش را وارد و یا در نظر گرفته، از کشور ایران خارج نماید (الیاسی، ۱۳۹۰، ص ۱۳۲). ماده ۱ آیین نامه اجرایی قانون جلب و حمایت سرمایه خارجی اعلام داشته است که: بانک های خارجی و یا شعب آن ها که بر مبنای قوانین مرتبط با کشور ایران ایجاد می گردند، از مزایای قانون جلب و حمایت سرمایه خارجی و این آیین نامه تا حد و اندازه ای که با قوانین و موازین قانون بانکداری و آیین نامه های آن تباین نداشته باشند، برخوردار هستند؛ با وجود آن، اصول ۴۴ و ۸۱ قانون اساسی فعالیت بانک های خارجی را ممنوع داشته است (فتحی، ۱۳۹۱، ص ۷۹).

همچنین، بنده ماده ۳۱، قانون پولی و بانکی کشور مقرر نموده است که: تأسیس بانک های خارجی و نیز مؤسسات اعتباری غیر بانکی خارجی را با تصویب مجلس، امری ممکن در نظر گرفته است. بند ج ماده ۳۱، هر بانکی را که بیشتر از ۴۰ درصد سرمایه آن به اشخاص حقیقی اتباع خارجی و یا حقوقی خارجی تعلق داشته باشد، بانک خارجی در نظر می گیرد که ثبت آن بایستی به عنوان بانک خارجی صورت پذیرد (الیاسی، ۱۳۹۰، ص ۱۳۲).

۴-۲- قوانین ناظر بر صادرات و واردات

در طول دهه های اخیر، تحولات بسیار مهمی در سیستم تجاری کشور ایران به وقوع پیوسته است؛ از جمله اینکه قانون و ضوابط صادرات و واردات به طور کامل تغییر پیدا نموده، مالیات های وارداتی به صورت یکپارچه گشته و همچنین، گرایش سیاست های تجاری به سمت وسوی آزادسازی بوده است. افزون بر آن، نرخ های متنوع و گوناگون ارز که از موانع مهم صادرات هستند، یکپارچه و یکسان شد (فتحی، ۱۳۹۱، ص ۹۸). یارانه های بسیاری تغییر پیدا نمودند؛ اما باز به اصلاحات زیادی در این خصوص نیاز است.

در راستای بررسی تطبیقی قانون و مقررات تجاری کشور ما با توافق نامه های سازمان جهانی تجارت، در نظر گرفتن اصول کلی اصل عدم تبعیض و اصل دولت کامل الوداد "MFN" و نیز کاهش تعرفه های گمرکی و تبدیل موانع غیر تعرفه ای به تعرفه و منع به کارگیری محدودیت های کمی، از اهمیت خاص و ویژه ای برخوردار هستند (کمیجانی، ۱۳۹۴، ص ۹۸).

۴-۳- قوانین و مقررات گمرکی

بر مبنای اصل دول کامل الوداد؛ آن کشوری که به سازمان جهانی تجارت بپیوندد، بایستی ارتباطات بازرگانی یکنواخت و حتی بدون تبعیضی را با کلیه اعضا ایجاد کند. اصل فوق "ماده ۱ موافقت نامه عمومی"، هیچ گونه مغایرتی با قوانین تجاری جمهوری اسلامی ندارد بلکه حتی با ماده ۶ قانون گمرکی ایران مصوب ۱۳۵۰ مجلس شورای ملی دارای هماهنگی است.

بر مبنای ماده ۶ قانون امور گمرکی، هر زمان ضمن موافقت نامه های بازرگانی با دولت یا کشورهای بیگانه برای کالای مشخص، حقوق گمرکی به مأخذی غیر از آنچه که در جدول ضمیمه قانون مقرر بوده، معین و مشخص گردد، تا زمانی که موافقت نامه های مذکور باقی باشند، حقوق گمرکی همان کالا بر اساس مأخذ معین گردیده در موافقت نامه ها و با رعایت شروط مقرر شده در آن ها اخذ می شود؛ مگر آنکه در تعرفه این قانون حقوق گمرکی کمتری به آن تعلق گیرد و یا آنکه از حقوق گمرکی بخشوده شده باشد.

به‌عنوان نمونه، اگر جمهوری اسلامی ایران کاهش تعرفه گمرکی در رابطه با کالا و یا کالاهای خاصی را با کشور مشخصی مورد قبول قرار دهد، بایستی این امتیاز را بدون هیچ قید و شرطی به دیگر جوامع عضو هم بدهد. با وجود آنکه بر اساس ماده ۳۵ موافقت‌نامه عمومی، طرفین متعاقد قادر خواهند بود از دادن امتیازات تعرفه‌ای به کشورهایی که به آن‌ها مذاکرات تعرفه‌ای ندارند، ممانعت ورزند. لذا، ماده ۸-۷-۵ در رابطه با آزادی ترانزیت شرایط ورود و صدور کالا و روش‌های موردنظر در ارزیابی گمرکی بوده و در پاره‌ای، این مصادیق با مواد ۱۷۲ و ۱۹۲ آیین‌نامه ارزیابی گمرکی کشور منطبق نبوده است.

به‌طور نمونه در ماده ۵ گات، هیچ نوع تمایزی بر اساس پرچم کشتی -مبدأ ورود و خروج یا مقصد بر اساس شرایط مرتبط با مالکیت کالای کشتی یا دیگر وسایل حمل‌ونقل نگردیده؛ در صورتی که این مسئله در قانون و مقررات کشور ما در خصوص پاره‌ای از کشورها ممنوع گردیده است. ضمن آنکه مواد ۵ الی ۷ قانون گمرکی کشور، صراحتاً حمایت‌های تعرفه‌ای و نیز محدودیت‌های ویژه و خاصی در رابطه با نوع کالاهای واردشده و وضع عوارض خاص در رابطه با پاره‌ای اقلام وارداتی بر مبنای ضرورت و تشخیص مراجع ذی‌صلاح را ارائه کرده است که با اصل ۱ و ۲ گات مبنی بر اتحاد رویه در رابطه با وضع محدودیت به‌واسطه نرخ‌های تعرفه، در تعارض است (امیدبخش و طارم سری، ۱۳۹۲، ص ۴۹).

۴-۴- قوانین و مقررات ارزی

از لحاظ قوانین گات، سهمیه‌بندی ارزی و تخصیص ارز در راستای ورود کالاها بر مبنای اولویت‌های خاص و همچنین، نرخ‌های ارز ترجیحی، نوعی محدودیت است. حمایت از صنایع و تولیدات داخلی به مساعدت و کمک ابزارهای غیر تعرفه‌ای همچون سهمیه‌بندی ارزی و گران نمودن واردات در برابر محصولات مشابه داخلی با تخصیص ارز به بخش‌های اولویت‌دار و صادر کردن محصولات داخلی به شکل دامپینگ در قالب سیاست‌های تشویق صادرات یا حمایت از شرکت‌های داخلی در تجارت خارجی با فروش ارز ارزان‌قیمت به آن‌ها از موارد و مصادیقی بوده که در کشور ما کم‌وبیش موجود است و تعدادی از آن‌ها هم امروزه مرسوم هستند؛ اما از سال ۸۱ با اجرای سیاست یکسان‌سازی ارز، اکثر مشکلات مرتبط با این موانع به طرز چشمگیری کاهش پیدا کرده است. از دیگر ابعاد ممنوعیت به‌کارگیری محدودیت‌های کمی در چارچوب قوانین گات می‌توان منع اعطای سوبسید صادراتی را نام برد که با قوانین و نیز سیاست‌های تشویق صادرات در ایران در سال ۷۰ مغایر بود (فیروزی، ۱۳۹۴، ص ۲۲).

با وجود آنکه صادرکنندگان از نرخ‌های ارز ترجیحی به جهت وارد شدن اقلام موردنیاز استفاده می‌نمودند و کالای صادراتی‌شان را با نرخ شناور به فروش می‌رساندند، این موضوع، با مسئله یکسان‌سازی نرخ ارز در سال ۸۱ متوقف گشت و مغایرت میان توافق‌نامه عمومی تعرفه و تجارت با قانون و مقررات ارزی تجاری جمهوری اسلامی ایران از این نظر برطرف شد؛ اما سهمیه‌بندی ارزی تاکنون موضوعی قابل مطرح شدن است؛ اگرچه بالا بردن درآمد ارزی در سال‌های گذشته، اهمیت موضوع مذکور را مورد نقصان قرار داده است (شهبازی، ۱۳۹۸، ص ۱۷).

۵- ضرورت‌های الحاق ایران به سازمان جهانی تجارت

مبانی الحاق ایران به سازمان جهانی تجارت را که همان پاسخ به چرایی الحاق ایران به این سازمان است، می‌توان در دو بخش کلان (نظیر بهبود وضعیت تجارت و اقتصاد کشور و ارتقای سطح معیشت و رفاه مردم و غیره) و خرد بررسی نمود که در پژوهش حاضر به مبانی و مصادیق خرد این الحاق پرداخته خواهد شد.

۵-۱- امتیازات خاص

یکی از مبانی الحاق ایران به سازمان جهانی تجارت، امتیازات خاص است. بدون تردید، الحاق به سازمان جهانی تجارت واجد یک سری پیامدها برای کشوری است که عضو آن شده است. قطعاً اقتصاد جمهوری اسلامی ایران بعد از ملحق شدن و مورد قبول قرار دادن قوانین و اصول آن، با یک سری تغییرات روبه‌رو می‌شود (اکبریان، ۱۳۹۱، ص ۵۴). اعضای هیئت نمایندگان اتاق بازرگانی ایران مشخص می‌سازند بعد از عضویت ایران در WTO در مدت کوتاه، سهم تولیدکنندگان ایرانی از بازار داخلی تا چه حد و حدودی کاهش پیدا کرده؛ ولیکن در مدت‌زمان زیاد سهم بازار داخلی آن‌ها افزایش یابد (الیاسی، ۱۳۹۰، ص ۷۹).

من جمله علل مهم کاهش سهم بازار داخلی تولیدکنندگان در مدت‌زمان کوتاه این است که مدتی به طول می‌انجامد تا تولیدکنندگان ایرانی قادر باشند فناوری و شیوه‌های تولیدی‌شان را به‌روز کرده و کالا و خدمات‌شان را با کیفیت و قیمت رقابتی عرضه کنند. باید بیان نمود که سعی و کوشش دولت در راستای مهیا ساختن زیرساخت‌های مناسب و کارآمد در حوزه تولید و حوزه‌های مربوط به آن، نقش حائز اهمیتی در افزایش رقابت‌پذیری صنایع داخلی ایران دارد (رشیدی، ۱۳۹۴، ص ۸۷).

یکی از اهداف مهم ملحق شدن به سازمان جهانی تجارت، رشد و توسعه اقتصادی ایران است. تبدیل شدن به کشوری توسعه‌یافته با جایگاه نخست اقتصادی در سطح منطقه تا سال ۱۴۰۴، همان‌گونه که سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران مشخص می‌کند، نیازمند طی کردن یک مسیر سخت و وجود پیش‌شرط‌های مهم است (الیاسی، ۱۳۹۰، ص ۷۹).

من جمله پیش‌شرط‌های مذکور، هدایت و نیز جذب بخشی از سرمایه دیگر کشورها به درون کشور ایران است. لذا، نمایندگان بخش خصوصی اعتقاد دارند که بعد از ملحق شدن کشور ما به سازمان جهانی تجارت، حجم سرمایه‌گذاری خارجی در زمان بسیار کوتاه و نیز در بلندمدت افزایش پیدا می‌کند که افزایش مذکور در مدت‌زمان بلند، حتمی است.

۵-۲- بالا بردن رقابت‌پذیری و بهره‌وری

آزادسازی تدریجی به علت ملحق شدن به سازمان جهانی تجارت موجب بالا رفتن مواجهه تولیدکنندگان داخلی با رقبای خارجی می‌گردد و آن‌ها را به سمت افزایش کیفیت محصولات و کاهش هزینه‌های تولید می‌کشاند.

۵-۳- دسترسی به بازار و امکان پیگیری علایق

در صورت عضو نشدن اعضای سازمان جهانی تجارت به هر علتی من جمله موضوعات سیاسی متغیر قادرند دسترسی کشورهای غیر عضو را به بازارهایشان محدود سازند. بدین ترتیب، عضو شدن در سازمان جهانی تجارت تا حدودی از این مسئله ممانعت می‌ورزد و اعضای به‌جز در شرایط خاص و ویژه نظیر استثنائات فوق در موافقت‌نامه‌های همین سازمان و تعهداتش که در چهارچوب آن تخطی نمایند و تخطی آن‌ها به واسطه سازوکار حل اختلافات همین سازمان قابل پیگیری است.

برخلاف مذاکرات الحاق که در آن تعهدات اعضای سازمان جهانی تجارت از پیش آشکار و مشخص بوده و کشور متقاضی الحاق بایستی به خواسته‌های اعضای فوق بپردازد، این کشور بعد از ملحق شدن قادر خواهد بود خواسته‌هایش را در رابطه با دسترسی به بازار در مذاکرات همین سازمان مطرح کند (صلاحی و شکرالهی، ۱۳۹۶، ص ۱۶۶).

۴-۵- توانمندی در پیشبرد اصلاحات داخلی

کاملاً آشکار بوده که گروه‌های متعدد با منافع و علایق گروهی خاصشان در تلاش‌اند در مشخص ساختن سیاست تجاری کشورها هم نظیر دیگر حوزه‌های سیاست‌گذاری، اعمال نفوذ نموده یا در برابر سیاست‌های مغایر با منافعشان مقاومت نمایند (جوادی ارجمند، ۱۳۹۶، ص ۴۳). لذا، پیوستن به سازمان جهانی تجارت و سپردن تعهد خارجی برای اصلاحات کشور ملحق‌شده را تا حد و اندازه‌ای در شرایط اجبار قرار داده که میدان را برای طرف مخالف اصلاحات تنگ‌تر کرده و اجرای اصلاحات مغایر با منافع گروهی را سهل‌تر می‌سازد (بزرگی، ۱۳۹۶، ص ۱۱۲).

به این شکل، الحاق یک کشور به وزن و جایگاه همان کشور وابستگی دارد و می‌تواند به دگرگونی وسیعی در جریان‌های بین‌المللی تجارت و سرمایه‌گذاری ختم شود. در مقایسه با آثار مثبت عضو شدن در همین سازمان، ملحق نشدن به این سازمان هزینه بسیار سنگینی نظیر عدم حضور در تصمیم‌گیری جهانی و محرومیت از بازارها و حاشیه‌نشینی را شامل می‌شود که پذیرفتن مخاطرات احتمالی الحاق را امری اجتناب‌ناپذیر می‌سازد (بزرگی، ۱۳۹۶، ص ۱۱۲).

۵-۵- منافع عمومی حاصل از عضویت

موارد زیر، بعضی از اصلی‌ترین محورهایی است که موافقین ملحق شدن به سازمان جهانی تجارت در استدلال‌هایشان بر آن تأکید بسیار می‌نمایند:

- برخوردار شدن از فرصت‌های جهانی
 - جذب سرمایه‌های خارجی
 - انتقال تکنولوژی به کشور
 - وارد شدن کشور به عرصه تصمیم‌گیری‌های اقتصادی جهان و غیره
- در ذیل به بررسی مصادیق فوق (فرصت و یا تهدید بودن آن‌ها برای اقتصاد، فرهنگ و سیاست کشور) پرداخته می‌شود.

۵-۵-۱- انتقال تکنولوژی

تعامل با دولت‌ها و شرکت‌های بین‌المللی و شرکت در طرح و مناقشه‌های مشترک بین‌الملل و نیز کنار گذاشتن محدودیت‌های ارتباطی با جهان خارج سبب کسب و انتقال تجربه‌های ساین به درون کشور و در نتیجه، دسترسی کشور به فناوری‌های نوین است (شیروی، ۱۳۹۸، ص ۹۸).

۵-۵-۲- مشارکت در تصمیم‌سازی در عرصه اقتصاد جهانی

با وجود آنکه سازمان جهانی تجارت بر مبنای اصل یک کشور یک رأی استوار بوده است؛ اما حقیقت آنکه جوامع بزرگ و پیشرفته، قدرت‌های مسلط بر این سازمان تلقی می‌گردند و اثر قاطعی بر تصمیم‌گیری‌های آن داشته‌اند. بر اساس موافقت‌نامه همین سازمان، پاره‌ای مذاکرات فقط میان بزرگ‌ترین تولیدکننده و خریدار هر کالا انجام شده است و در نهایت، قاعدتاً دربرگیرنده حامل دیگر کشورها هم خواهد بود (فیروزی، ۱۳۹۴، ص ۹۴).

۵-۵-۳- تأمین الزامات کشورهای نفت‌خیز

بر مبنای موافقت‌نامه‌های سازمان جهانی تجارت، کشورها بایستی تعرفه‌ها را به مرور زمان کنار بگذارند (شیروی، ۱۳۹۸، ص ۷۰). لذا، من جمله معضلاتی که کشور ما و کشورهای نفت‌خیز با آن روبه‌رو هستند، آنکه امروزه نفت از موافقت‌نامه‌های سازمان جهانی تجارت بیرون آمده و موافقت‌نامه‌های مذکور دربرگیرنده فرآورده‌های نفتی نمی‌گردد.

از این رو، ورود کالاهای صادراتی کشورهای عضو WTO به کشور ما مشمول حذف تعرفه گردیده است؛ لیکن واردات نفتی جوامع دیگر از ایران، مشمول حذف و یا کاهش تعرفه نمی‌شود (اکبریان، ۱۳۹۱، ص ۲۵). این مسئله که نفت، بخش عمده‌ای از صادرات ایران را شامل می‌شود، به ضرر کشور است. همچنین، تعرفه‌های اعمال گردیده بر کالاهای صادراتی کشورمان سبب می‌شود کالاهای ایرانی توان رقابت با کالاهای سایر کشورها را نداشته باشند (اکبریان، ۱۳۹۱، ص ۳۶).

۵-۴-۵- بستر سازی و تعمیم دموکراسی

از دیدگاه مؤسسان و طرفداران سازمان جهانی تجارت، تبادل آزاد کالا و خدمات در جهان به مصادیق افزایش رشد اقتصادی ملل، ارتقای سطح زندگی عموم مردم، ترویج دموکراسی و ایجاد صلح و ثبات وابسته است (اکبریان، ۱۳۹۱، ص ۲۹).

۵-۵-۵- تقویت موازنه و مبادله فرهنگی

از آنجاکه سازمان جهانی تجارت در سلسله‌ساختار اقتصاد جهانی بوده که به سمت همگونی در حرکت است، قطعاً تأثیرات فرهنگی خود را نشان می‌دهد. هیچ کشوری قادر نیست به شکل آزادانه با نظام اقتصاد جهانی در تعامل باشد؛ در صورتی که حوزه‌های سیاسی-فرهنگی‌اش را جدا نموده است. به بیان دقیق‌تر، چنانچه تصور شود که می‌توان در نظام بین‌الملل به نوعی و در حوزه فرهنگ و سیاست به شکل دیگر عمل نماید، اشتباه بسیار بزرگی است. هرچند رفتار کشورها در رابطه با هر کدام از حوزه‌های مذکور به صورت برابر و یکسان نیست؛ به‌ویژه چارچوب فرهنگ که کشورها در آن حوزه، تفاوت‌های بسیاری با هم داشته‌اند (اکبریان، ۱۳۹۱، ص ۸۵).

۵-۶- بهره‌گیری از استانداردهای بین‌المللی

در حال حاضر، جهانی شدن اقتصاد به مفهوم ملحق شدن به سازمان جهانی تجارت تلقی می‌گردد. به این علت، اکثر جوامع تقاضای پیوستن به سازمان مذکور را دارند. تجربه سایر کشورها نشانگر آن بوده که آزادسازی تجاری، نقش حائز اهمیتی در ایجاد ثروت و پیشبرد توسعه اقتصادی کشورها داشته است. در مجموع، تجارت جهانی بیشتر از ۹۰ درصد آن در اختیار و پیرو اصول و قوانین سازمان جهانی تجارت تلقی می‌گردد و اعضاء سازمان مذکور هم با کشورهای WTO اعضاء غیر عضو حاضر نبوده در سطحی پایین‌تر از این اصول و قوانین، رابطه تجاری داشته باشند (بزرگی و موسوی دهموردی، ۱۳۹۵، ص ۶).

تجارت آزاد میان کشورها به بالا رفتن رقابت منتج گردیده و این بالا رفتن رقابت، نوآوری و استفاده بهتر از عوامل تولید را به همراه دارد. لذا، وجود رقابت موجب سوق پیدا کردن تجارت به سمت نوآوری، ابتکار، بهبود فرایندها، ایجاد تکنولوژی‌های نوین و در مجموع، پیشرفت علم می‌شود. هرچند انتقاداتی به آزادسازی تجاری و به شکل خاص به عضو شدن در سازمان جهانی تجارت و پیروی از اصول و قوانین آن آورده شده؛ ولیکن این چنین به نظر می‌آید که آزادسازی تجاری، چه از لحاظ تعداد و چه از لحاظ ادله، در WTO موافقین الحاق به موقعیت قوی‌تر بوده‌اند (سنائی، ۱۳۹۳، ص ۷۶).

عضو شدن ۱۵۰ کشور و منطقه تجاری در سازمان مذکور و وجود ۲۹ کشور متقاضی الحاق به نوعی می‌تواند نشانگر درستی چنین ادعایی باشد. نتایج به‌دست‌آمده از نظرسنجی از اعضاء هیئت نمایندگان اتاق ایران هم بیانگر ادعای مذکور بوده و نشانگر آن است که نمایندگان بخش خصوصی ایران با عضویت کشور در سازمان جهانی تجارت

به میزان زیادی موافق بوده‌اند (زیرک، ۱۳۹۴، ص ۸۵)؛ بنابراین، با بررسی و مطالعه عملکرد و اهداف سازمانی جهانی و تجارت، بخشی از آثار مثبت الحاق آشکار گردیده که پیامدهای مذکور سبب قانونمندی، پیش‌بینی‌پذیری، ثبات، شفافیت در ارتباطات و فعالیت‌های تجاری و اقتصادی در خارج و داخل، تسهیل جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی و انتقال فناوری و برقراری اشتغال و از میان برداشتن حمایت‌های اقتصادی و رانت‌ها و ایجاد یک محیط رقابتی و آمادگی جهت رقابت در بازار جهانی، دسترسی مصرف‌کننده به کالای مرغوب و ارزان‌تر، شرکت در تصمیم‌گیری‌های جهان در خصوص اصول و قوانین تجاری و دسترسی به یک سازوکار حل اختلاف مطمئن و مناسب در راستای رسیدگی به تخلف دیگر کشورها از تعهدات خود می‌گردد (زیرک، ۱۳۹۴، ص ۹۲).

۶- الزامات حقوقی حاکم بر قراردادهای جدید نفتی ایران در تقابل با مقررات سازمان جهانی تجارت
با در نظر گرفتن ضوابط و مقررات موجود، اعم از مصوبات مجلس شورای اسلامی و تصویب‌نامه‌های هیئت‌وزیران اصول قراردادهای جدید نفتی ایران را که گاه‌آ در تعارض و تقابل با ضوابط سازمان جهانی تجارت است، می‌توان در عناوین ذیل بررسی نمود.

۶-۱- ضرورت حفظ حاکمیت و حقوق مالکانه دولت

حفظ حاکمیت و مالکیت دولتی و عمومی، همیشه در دسته خطوط قرمز سنتی صنعت نفت کشور ما بالأخص در سال‌های بعد از به پیروزی رسیدن انقلاب است؛ بنابراین، چه در الگوی قراردادی سابق "بیع متقابل" و چه در قراردادهای جدید، تأکید بر حاکمیت و مالکیت صراحتاً بیان شده است. در حوزه‌های نفت و گاز حاکمیت به ساده‌ترین معنا عبارت است از قدرت و اختیارات و طبیعتاً حق اعطا یا عدم اعطای امکان دسترسی به زمین و منابع هیدروکربوری موجود در آن (موحد، ۱۳۹۳، ص ۸۹). این حق به‌صورت برخوردار شدن از حق تعیین مالیات، نظارت، حفظ نظم و مصادره اموال مورد تعریف قرار می‌گیرد و همچنین، ارتباط معناداری با امکان کنترل اعمال و اقدامات پیمانکار دارد. در حقیقت، یکی از مهم‌ترین انگیزه‌های کشورهای نفت‌خیز در به‌کارگیری قالب قراردادی خدمت جهت انجام دادن عملیات حفظ حاکمیت است (شیروی، ۱۳۹۳، ص ۹۰). بدیهی است که این وضعیت، آزادی تجارت را در قراردادهای نفتی تحدید نموده و امکان بهره‌گیری از مزیت‌های عضویت در سازمان جهانی تجارت را به حداقل می‌رساند.

۶-۲- بازپرداخت هزینه‌ها و دستمزد پیمانکاران از محل درآمد حاصل از اجرای پروژه

در الگوی قراردادی مذکور، منبعی به غیر از درآمدها و عایدات به‌دست‌آمده از توسعه و در نتیجه، تولید و بهره‌برداری از میدان جهت بازپرداخت هزینه و دستمزد پیمانکار مدنظر قرار نمی‌گیرد؛ اما در خصوص آنکه چه درصدی از درآمد میدان به بازپرداخت مطالبات پیمانکار تعلق می‌گیرد، در قراردادهای خدماتی سابق "بیع متقابل" مقرر خاصی موجود نیست و در قراردادهای مختلف بیع متقابل درصدهای متفاوتی مدنظر قرار می‌گیرد که در حدود ۴۰ الی ۷۰ درصد است. هرچند در عمل، درصدی از عایدات میدان که برای بازپرداخت هزینه‌ها قرار می‌گیرد، همیشه کمتر از میزان مذکور است؛ چیزی بین ۱۰ الی ۳۰ درصد (شیروی، ۱۳۹۳، ص ۸۷).

در الگوی قراردادی جدید، این مسئله به شکل شفاف در سقف ۵۰ درصد به تصویب رسیده است؛ به این مفهوم که تمامی هزینه‌های مستقیم غیرمستقیم، هزینه‌های تأمین مالی و پرداخت دستمزد و هزینه‌های بهره‌برداری به‌واسطه تخصیص حداکثر ۵۰ درصد از محصولات میدانی یا عواید حاصل از اجرای قرارداد بر اساس قیمت روز فروش

محصول مستهلک می‌گردد (بند پ ماده ۳ و بند پ ماده ۶ تصویب‌نامه هیئت وزیران). بدین سان این امکان است تا بازپرداخت‌ها به واسطه پرداخت نقدی یا تخصیص تا ۵۰ درصد هیدروکربن تولیدی میدان بر مبنای قیمت روز به پیمانکار پرداخته شود (موحد، ۱۳۹۳، ص ۵۶).

۳-۶- تعیین نرخ بازگشت سرمایه و دستمزد

در قراردادهای بیع متقابل، بحث از نرخ بازگشت سرمایه بود که با مدنظر قرار دادن شرایط هر میدان به عنوان نمونه ریسک اکتشافی یا عملیاتی در یک منطقه قراردادی خاص در خشکی و یا دریا بودن میدان و غیره به شکل درصدی از هزینه‌های سرمایه‌ای مشخص می‌گردید (شیروی، ۱۳۹۳، ص ۸۳).

با وجود این، در قراردادهای جدید بحث از دستمزد به میان آمده است؛ دستمزدی که بر مبنای میزان تولید اضافی صورت پذیرفته به واسطه پیمانکار مشخص می‌شود. به توضیح دقیق‌تر، در قراردادهای بیع متقابل، دستمزد پیمانکار، ارتباط کاملاً مستقیمی با میزان هزینه‌های سرمایه‌ای پروژه دارد؛ اما در قراردادهای جدید، ارتباط میان دستمزد با میزان کار صورت پذیرفته شده یعنی تولید اضافی، مدنظر قرار می‌گیرد (موحد، ۱۳۹۳، ص ۱۰۲).

۴-۶- برداشت صیانتی

بندهای ۱۴ و ۱۵ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، بر دو اصل «افزایش ذخایر راهبردی نفت و گاز کشور ... و توسعه ظرفیت‌های تولید ...» و «برداشت صیانتی از منابع» تأکید دارد. از این رو، قراردادهای نفتی به شرطی بهینه است که مبتنی بر این دو اصل باشد. برداشت صیانتی در دسته مفاهیم سخت و پیچیده صنعت نفت قرار گرفته است. در الگوی قراردادهای جدید نفتی، حساسیت نسبت به برداشت صیانتی به شکل محرز و آشکاری بررسی گردیده است. در تصویب‌نامه مرتبط با الگوی قراردادهای جدید به شکل برجسته‌تر و مبسوط‌تری به موضوع صیانت پرداخته شده و به شکل معین و مشخص از اجرای طرح‌های بهبود یا افزایش ضریب بازیافت بحث گردیده است (درخشان، ۱۳۹۹، ص ۳۲).

بر اساس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، نفت یکی از مصادیق بارز انفال است. برداشت صیانتی از مخازن نفت، مهم‌ترین معیار در بهره‌برداری از منابع نفتی است که تمامی مراحل اکتشاف، توصیف، توسعه و بهره‌برداری از یک میدان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. به رغم گذشت بیش از صد سال از تولید نفت در ایران، به غیر از تعریفی که در قانون اصلاح قانون نفت سال ۱۳۶۶ از برداشت صیانتی شده است، هیچ قانون و مقررات و الزامات دیگری از سوی دولت در خصوص تولید صیانتی وجود ندارد. بررسی‌ها نشان می‌دهد که به دلایل مختلف از جمله پیچیدگی‌های محاسبات فنی و اقتصادی، حجم سرمایه‌گذاری سنگین، تحصیل نتایج و عواید در بلندمدت، نااطمینانی‌های جدی در آثار برنامه‌های ازدیاد برداشت، عدم تقارن و تعارض اهداف طرفین قرارداد موجب می‌شود تا عوامل شکست بازار از قبیل صرفه‌های عظیم نسبت به مقیاس، اطلاعات نامتقارن و مشکلات ناشی از آن، یعنی مخاطرات اخلاقی و انتخاب معکوس و نیز پیامدهای خارجی به نحو بارز و جدی در تحقق برنامه‌های برداشت صیانتی از میادین خود را نشان دهد (نوراحمدی و دیگران، ۱۳۹۶، ص ۱۲۳).

اعمال برداشت صیانتی مادامی که خللی در روابط تجاری در عرصه جهانی ایجاد ننماید، می‌تواند در چهارچوب مقررات سازمان جهانی تجارت مورد عمل یا بازنگری قرار گیرد.

۵-۶- ملاحظات زیست محیطی

از جمله موضوعات مورد تأکید در ضوابط و مقررات سازمان جهانی تجارت، ضرورت رعایت الزامات و ملاحظات زیست محیطی است. در متون قانونی مرتبط با اصول حاکم بر قراردادهای بیع متقابل در خصوص ملاحظات زیست محیطی، رعایت قوانین و ملاحظات زیست محیطی به شکل مختصر و مفید بیان شده است؛ اما در تصویب نامه مربوط به الگوی جدید قراردادهای نفتی به شکل مبسوط و مؤکد، به لزوم انجام مطالعات ارزیابی زیست محیطی و رعایت قوانین و ملاحظات ایمنی، زیست محیطی، بهداشتی و اجتماعی در اجرای طرح‌ها اشاره گردیده است (شیروی، ۱۳۹۳، ص ۸۷).

لازم به ذکر است که در این بند از الگوی جدید قراردادی، تأکید بر مطالعه، بررسی و ارزیابی‌های اجتماعی در خصوص اجرای طرح‌های بزرگ نفت و گاز مضاف بر انجام مطالعات ارزیابی زیست محیطی و رعایت قوانین و ملاحظات ایمنی و بهداشتی است. ذکر این مسئله در تصویب نامه هیئت وزیران تحت عنوان یکی از اصول مورد رعایت قرار گرفته در قراردادهای آینده به نوعی می‌تواند یک شروع بسیار ایده‌آل در راستای توسعه مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها، بالأخص شرکت‌های نفتی و بررسی چهارچوب‌های حقوقی و قراردادی متناسب در این خصوص باشد. به علت ماهیت پر از ریسک پروژه‌های نفتی، آثار پروژه‌های مذکور بر حوزه‌های متعدد زندگی اجتماعی و محیط زیست بایستی مورد ارزیابی درست و دقیق قرار گیرد (شیروی، ۱۳۹۳، ص ۸۱).

۶-۶- تنظیم سطح تولید نفت

کشور ما از جمله کشورهای بسیار عمده تولیدکننده نفت عضو سازمان اوپک به شمار می‌آید. وزارت نفت بر مبنای تعهدات بین‌المللی یا سیاست‌هایی که امکان دارد در خصوص بازارهای نفت و گاز اتخاذ کند، بایستی قادر باشد در راستای تأمین منافع کلان ملی، هر راهکاری من جمله کاهش سطح تولید را عملیاتی سازد و هیچ قراردادی نبایستی در تعارض با منافع کلان و راهبردهای ملی وزارت نفت واقع شود. در کنار چنین ملاحظاتی، رعایت کامل حقوق قراردادی پیمانکار، بالأخص پیمانکارانی که در یک ارتباط طولانی و به‌طور تقریبی برای طول دوره عمر میدان، به انعقاد قرارداد می‌پردازند و اجرای پروژه را بر عهده می‌گیرند، از ضروریات انکارناپذیر حرکت به سوی یک ارتباط متعادل و عادلانه قراردادی تلقی می‌گردد (شیروی، ۱۳۹۳، ص ۸۹).

بنابراین، در بند د ماده ۳ تصویب نامه هیئت وزیران، صراحتاً به این مسئله پرداخته شده که اگر وزارت نفت تصمیم به کاهش سطح تولیدات توقف آن به هر علتی به‌جز علل فنی مرتبط با میدان داشته باشد، در وهله نخست بایستی در تلاش باشد تا در راستای رعایت حقوق پیمانکاران، اعمال این گونه امور کاهشی از سطح تولید میدان‌هایی را انجام دهد که متعهد به بازپرداخت نبوده‌اند و نیز اگر این تصمیم در رابطه با میدان موضوع قرارداد گرفته شود، بازپرداخت هزینه و دستمزد متعلق به پیمانکار متأثر نیست و پیمانکار به مطالبات قراردادی‌اش می‌رسد. اینکه مطالبات قراردادی پیمانکار که تصویب نامه هیئت وزیران در بند د ماده ۳ صراحتاً آن را برای پیمانکاران تضمین می‌کند، چه مقدار بوده و یا تا چه مقدار می‌تواند بسط و گسترش پیدا کند، موضوعی بوده که در صورت بروز اختلاف بین شرکت ملی نفت ایران "طرف نخست" و پیمانکاران خارجی "طرف دوم"، به نوعی می‌تواند پیامدهای حقوقی و قراردادی بسیار گسترده‌ای داشته باشد (درخشان، ۱۳۹۳، ص ۸۱).

۷- فرصت‌های ناشی از الحاق ایران به سازمان جهانی تجارت در ارتباط با قراردادهای نفتی

بدون شک، سازمان جهانی تجارت یکی از اصلی‌ترین سازمان‌های بین‌المللی تلقی می‌گردد که به نوعی می‌تواند تأثیر تعیین‌کننده‌ای بر عملکرد اقتصاد جهانی داشته باشد. WTO نسبت به سلف خود گات، جامع‌تر و پیچیده‌تر به شمار می‌آید. لذا گات، با وجود ماهیت موقت آن و علی‌رغم خلاصه بودن مفاد قادر شد در دوره عمر خود با به‌کارگیری تجارت انباشته‌شده نزدیک به ۵ دهه، یک سیستم چندجانبه تجاری را ایجاد کند؛ بنابراین، روند تکاملی گات، به نوعی می‌تواند در WTO هم تداوم پیدا کند (شیروی، ۱۳۹۸، ص ۸۱).

در حقیقت، اکثر توافقی‌های به‌دست‌آمده در دور اروگوئه دربرگیرنده بندهایی بوده که مذاکره بر سر قوانین تکمیلی در خصوص یارانه‌ها، خدمات سرمایه‌گذاری و سیاست‌های رقابتی را در دوره‌های آینده مذاکرات مشخص نمودند. در طول سالیان بسیار زیاد فرض بر آن بود که نفت از حوزه مذاکرات گات بیرون آمده است؛ اما در هیچ بند و یا ماده‌ای از توافقی‌نامه‌های گات و WTO به این مسئله اشاره نگردیده که نفت و فرآورده‌های نفتی مستثنا از قانون و مقررات تجارت آزاد جهانی هستند (نصیریان، ۱۳۹۷، ص ۶۵).

اگرچه نفت در هیچ‌یک از دوره مذاکرات گات، به‌صورت مستقیم موضوع بحث به شمار نمی‌آید؛ اما موضوع رابطه بسیار نزدیک با نفت و فرآورده‌های آن و منافع جوامع صادرکننده نفت در مذاکرات گات ارائه گردید و تحت مذاکره واقع شد. موضوعاتی همچون سیاست‌های بهره‌برداری از منابع طبیعی، قیمت‌گذاری دوگانه، محدودیت‌های صادراتی، یارانه‌ها، قوانین ضد داپینگ و نظایر آن (فرح‌سا، ۱۳۹۵، ص ۱۷۵).

بدین صورت، با در نظر گرفتن بسط و گسترش روزافزون دامنه شمول قوانین و موضوعات تحت پوشش WTO و بالا رفتن مستمر ضمانت اجرای قوانین آن، بی‌هیچ شک و تردیدی در آینده ظرفیت تأثیرگذاری سازمان مذکور بر ارتباطات اقتصادی جوامع عضو و جوامع غیر عضو به میزان قابل ملاحظه‌ای افزایش پیدا می‌کند. پیوستن عربستان در سال ۲۰۰۳ میلادی به WTO و پیشرفت‌های به‌دست‌آمده در مذاکرات الحاق روسیه به سازمان مذکور نشانگر آن بوده که تجارت بین‌المللی نفت خام بیش‌ازپیش تحت نظارت نظام تجارت چندجانبه واقع می‌شود (اکبری‌ان، ۱۳۹۱، ص ۷۶).

در سال‌های اخیر در کشور ما کمیته ویژه‌ای جهت بررسی موضوع الحاق به سازمان جهانی تجارت ایجاد گردیده که یافته‌های کمیته مذکور در قالب گزارش مفصل ۲۰۰۰ صفحه‌ای مطرح شده و نشانگر نظریات گوناگونی در خصوص این موضوع در داخل دولت است. همچنین، بانک مرکزی و وزارتخانه‌های نفت، اقتصاد، کشاورزی و امور خارجه، تقاضا و درخواست ملحق شدن کشور ما به WTO را دارند و سازمان گمرک پیشنهاد نموده که کشور ایران به مقام یک عضو ناظر بسنده نماید (اکبری‌ان، ۱۳۹۱، ص ۷۲).

به‌علاوه، وزارتخانه‌های صنایع و بهداشت و درمان، جهاد سازندگی و نیز کمیته کشاورزی و مجلس با هر نوع تلاش در راستای ملحق شدن کشور ما به سازمان فوق مخالفت کردند. موافقان علل و دلایلی را من‌جمله برخورد غیر ترجیحی با کالاهای صادراتی که از دیدگاه نظری حاصل کسب موقعیت دولت کامل‌الوداد بوده و همچنین، افزایش دسترسی به بازارها و درنهایت، تعرفه‌های کمتری که برای دولت‌های کامل‌الوداد منعقد می‌گردد، مطرح می‌نمایند (فرح‌سا، ۱۳۹۵، ص ۱۷۶).

از این بعد، ایران امکان دارد ملزم گردد به طریقی میان فشار بین‌المللی جهت آزادسازی بخش نفت خود به روی رقبای خارجی و محقق شدن اهداف توسعه خود، راه‌حل مسالمت‌آمیزی را ایجاد نماید. از آنجا که توافقی‌نامه WTO، الزامات گوناگون دیگری را در خصوص استفاده از منابع طبیعی تمامی کشورها تحمیل می‌سازد و قاعدتاً جوامع صادرکننده نفت را در بهره‌برداری از ذخایر طبیعی برای دستیابی به توسعه صنعتی-اقتصادی با محدودیت مواجه

می‌نماید، قوانین مرتبط با یارانه‌ها و قوانین ضد دامپینگ، محدودکننده اکثر سیاست‌های کشورهای صادرکننده نفت در راستای توسعه اقتصادی به شمار می‌آید (غیبی، ۱۳۹۵، ص ۴۴).

لذا، توافق‌نامه‌های مذکور همچنان واجد بندهایی بوده که عرضه انرژی به صنایع داخلی به قیمت‌های پایین‌تر از قیمت‌های جهانی را با رعایت شرایط مشخصی مجاز برشمرده؛ ولیکن تأمین شرایط مذکور برای کشورهای صادرکننده نفت آسان نبوده است. توافق‌نامه‌های و تو در حال حاضر به سمتی در حرکت هستند که در آینده دادن هر نوع یارانه‌ای به صنایع را در فرایند توسعه صنعت اقتصادی جوامع در حال توسعه ممنوع می‌نمایند (فرح‌سا، ۱۳۹۵، ص ۱۷۷).

جوامع صادرکننده نفت که عضو و تو شده‌اند یا در آینده به آن می‌پیوندند، یا بایستی نظر مذکور را قبول کرده و یارانه اعطایی در قالب مواد خام ارزان به صنایعشان را کنار گذاشته و شرایط رقابتی یکسانی را برای رقابت در بازارهای داخلی بین‌المللی برقرار سازند یا آنکه با تهدید جوامع عضو به اعمال عوارض جبرانی و اقدامات ضد دامپینگ مواجه گردند (غیبی، ۱۳۹۵، ص ۴۹).

بدین ترتیب، کاهش قدرت نفت به موجب تأثیرپذیری از فناوری موجب کاستن قدرت تصمیم‌گیری و تأثیرگذاری دارندگان منابع نفتی گردیده است. فناوری در مصرف نفت، کاهش سهم نفت در تولید را به دنبال دارد (شیروی، ۱۳۹۳، ص ۸۱). فناوری در تولید، کاهش قیمت تمام‌شده نفت را به دنبال دارد و درنهایت، فناوری در بازار به کاهش قدرت تأثیرگذاری صاحبان نفت می‌انجامد.

در هر صورت، سازمان جهانی تجارت، یکی از نتایج حائز اهمیت جهانی شدن در عرصه مدیریت اقتصاد جهانی تلقی می‌گردد که سبب تضعیف جوامع صادرکننده نفت و همچنین، خودکفایی و برتری مکانیسم و سازوکارهای بازار آزاد شده و نتیجه آنکه قیمت نفت به واسطه نیروهای لجام‌گسیخته بازار مشخص می‌شود (غیبی، ۱۳۹۵، ص ۴۳). فرصت‌های ناشی از الحاق ایران و دیگر کشورهای صادرکننده نفت به سازمان جهانی تجارت در ارتباط با قراردادهای نفتی به نوعی می‌تواند به قرار ذیل باشد:

۷-۱- غلبه بر عوامل مختل‌کننده تجارت بین‌المللی نفت

ازجمله فرصت‌های ناشی از الحاق ایران به سازمان جهانی تجارت در ارتباط با قراردادهای نفتی، غلبه بر عوامل مختل‌کننده تجارت بین‌المللی نفت من جمله مالیات‌ها و سیاست‌های زیست‌محیطی جوامع مصرف‌کننده است (راسخی لنگرودی، ۱۳۹۵، ص ۶۵). تعدادی از کشورها پیشنهاد نمودند که در رابطه با این موضوعات، مکانیسم‌های مستقل و جداگانه‌ای برای مذاکره بین جوامع صادرکننده و کشورهای مصرف‌کننده برقرار شود؛ در صورتی که این مکانیسم‌ها به وجود نیامده و زود است که بتوان آینده احتمالی آن را ارزیابی نمود.

۷-۲- دسترسی به مکانیسم‌های حل اختلاف

از دیگر فرصت‌های ناشی از الحاق ایران به سازمان جهانی تجارت در ارتباط با قراردادهای نفتی، دسترسی به مکانیسم‌های حل اختلاف است. گزینه فوق از مصادیقی است که در مواقعی که جوامع مصرف‌کننده اقدامات تبعیض‌آمیزی را علیه نفت اجرایی می‌کنند، می‌تواند استفاده شود. در گذشته، چنین مکانیسمی یک بار به واسطه ونزوئلا و برزیل استفاده شد و نتیجه موفقیت‌آمیزی در پی داشت (راسخی لنگرودی، ۱۳۹۵، ص ۵۸).

سازمان جهانی تجارت شخصاً به پیگیری مصادیق تخلف کشورها از توافق‌نامه‌های همین سازمان مبادرت نمی‌ورزد بلکه کشوری که ادعا دارد اجحافی در حق آن به انجام رسیده، بایستی مسئله را به رکن حل اختلاف ارجاع دهد. لذا، رویه فوق تسهیلاتی را برای اعضاء مهیا ساخته و توافق‌نامه‌های WTO را انعطاف‌پذیر نموده است (اکبری، ۱۳۹۱، ص

۸۰). کشورهای ضعیف در مذاکرات چندجانبه قادر هستند از منابعشان به دفاع برخیزند. شرایط مشخص کننده مذاکرات و توافقنامه دوجانبه، سخت تر از مذاکرات چندجانبه است.

۷-۳- دسترسی به بازار و افزایش بهره‌وری

کنار گذاشتن و حذف محدودیت‌های تجاری "تعرفه‌های سنگین، محدودیت‌های صادراتی، یارانه‌ها و موانع غیر تعرفه‌ای" واجد منافع مشترکی برای نظام تجارت جهانی و محیط زیست است. مفروضات فوق به نوعی می‌تواند به جوامع صادرکننده نفت در دسترسی بیشتر به بازارهای جهانی کمک نماید. فناوری‌های نوین با بسط و گسترش دانش و کاهش هزینه‌های تولید و حمل و نقل و بالا رفتن مقیاس تولید، میزان بهره‌وری و رشد را بالا می‌برند (شیروی، ۱۳۹۸، ص ۱۲).

در هر صورت، ضرورت رعایت استانداردهای بین‌المللی و ارتقای تکنولوژی ساخت داخل و بالا بردن سرمایه‌گذاری خارجی، از جمله دستاوردهای ملحق شدن کشور ایران به WTO است.

۸- موانع و مخاطرات ناشی از الحاق ایران به سازمان جهانی تجارت در ارتباط با قراردادهای نفتی
موانع و مخاطرات عضویت ایران در سازمان جهانی تجارت در حوزه قراردادهای نفتی را می‌توان در موارد ذیل بررسی نمود:

۸-۱- تعرفه‌های صادرات

تعرفه‌های صادرات، ابزار قانونی سیاست‌های تجاری برشمرده شده‌اند. کشورهای صادرکننده انرژی غالباً در راستای ایجاد درآمد از چنین ابزارهایی برای محصولات انرژی استفاده می‌نمایند. هرچند آن‌ها قادرند تعرفه‌های بالایی مشخص سازند، چنانچه حقوق و عوارض صادراتشان را تحت شرایط الحاق به سازمان جهانی تجارت محدود نموده باشند، هیچ ممنوعیتی در مقابل چنین تصمیمی وجود ندارد (شیروی، ۱۳۹۸، ص ۸۶).

باین‌حال، قادر نیستند تبعیضی میان بازارهای صادرات قائل گردند. بر اساس ماده ۱ گات، به هر عضو سازمان جهانی تجارت با چنین صادراتی بایستی رفتار دولت کامل‌الوداد اعطا گردد؛ یعنی آن‌ها قادر نیستند مالیات بالاتری برای یک بازار صادراتی نسبت به بازارهای صادراتی دیگر مشخص نمایند. جوامع صادرکننده انرژی که به عضویت سازمان جهانی تجارت در نیامده‌اند، در برخی مواقع تعرفه صادرات برای بازارهای متعدد را در سطوح مختلف مشخص می‌سازند (نصیریان، ۱۳۹۷، ص ۹۲).

با در نظر گرفتن آنکه حقوق و عوارض صادرات تا حدودی افزایش یافته است، سیاست مذکور می‌تواند به تفاوت مهمی میان قیمت مواد و محصولات انرژی در بازارهای مختلف برسد (شیروی، ۱۳۹۸، ص ۸۷). جوامعی که به عضویت سازمان جهانی تجارت درآمده‌اند، بایستی چنین تبعیضی را لغو نمایند.

۸-۲- مالیات‌های داخلی

در حال حاضر، مالیات‌های بسیار سنگین جوامع توسعه یافته بر سوخت که به منظور حمایت از انرژی‌های جدید و ملاحظات زیست محیطی، سیاسی و امنیتی در نظر گرفته شده و وضع گردیده، مانع حائز اهمیت در راستای سوخت‌های فسیلی جوامع در حال توسعه است. در حقیقت، فقدان تعرفه‌های گمرکی مالیات‌های داخلی جوامع صنعتی، مانع عمده‌ای در جهت واردات به شمار می‌آیند (شیروی، ۱۳۹۸، ص ۱۴۵).

مالیات وضع شده بر نفت نسبت به سوخت‌های دیگر بسیار بالاتر بوده و خلاف مطالبی که عنوان گردید، سلسله‌ساختار مالیاتی به نحوی در نظر گرفته نشده است که کمک شایانی به مقاصد زیست‌محیطی نماید. از دیدگاه صادرکنندگان انرژی، مالیات‌های داخلی بالا که به واسطه واردکننده فرآورده‌های نفتی من جمله بنزین اعمال می‌گردد، توانایی آن‌ها را در راستای به دست آوردن درآمد از منابع طبیعی‌شان تضعیف می‌سازد. در هر صورت، زمانی مالیات‌های مذکور در مسیر سازمان جهانی تجارت بوده که بدون تبعیض اعمال گردند (شیروی، ۱۳۹۸، ص ۷۶).

۸-۳- یارانه‌ها

امکان دارد یارانه‌ها به واسطه دولت و با هدف ارتقای شیوه‌های کارآمد تولید انرژی استفاده گردند. از آنجا که از دیدگاه اقتصادی، منابع انرژی‌های تجدید ناپذیر جوابگو نبوده، ایجاد یک سری طرح‌ها جهت حمایت از آن‌ها ضرورت پیدا می‌کند. چنین طرح‌هایی شامل فعالیت‌های صادراتی نمی‌گردد و تحت یک دسته از ممنوعیت یارانه قرار می‌گیرند (نصیریان، ۱۳۹۷، ص ۹۲).

اگر اعتقاد یک عضو سازمان جهانی تجارت چنین باشد که آثار یارانه مخرب است، به نوعی می‌تواند تقاضای انصراف آن را دهد (ناصری، ۱۳۷۸، ص ۶۵) و چنانچه تولیدکنندگان داخلی به علت واردات محصولات یارانه‌ای صدمه ببینند، عوارض گمرکی جبرانی وضع می‌گردد. دولت‌ها در تلاش هستند با تنظیم برنامه‌هایی به حمایت از بخش‌های خصوصی برخیزند. به عنوان نمونه، تضمین مالی برای منابع انرژی که در تولید و توزیع برق به فعالیت پرداخته و لازمه حمایت مذکور آن بوده که خود اداره مستقیم فعالیت‌های مالی را بر عهده نگرفته و آن‌ها را به بخش خصوصی محول نمایند که این مسئله اجرای مصادیقی بوده که در ماده ۱ موافقت‌نامه یارانه‌ها و اقدامات جبرانی مشخص گردیده است (شیروی، ۱۳۹۸، ص ۱۵۸)؛ بنابراین، موافقت‌نامه واجد دو نوع قوانین تنظیم استفاده از یارانه و قانونمند ساختن اقدامات کشورها در راستای مبارزه با یارانه است.

از طرفی، موافقت‌نامه اذعان داشته که یک کشور قادر است رویه حل اختلاف سازمان جهانی تجارت را با هدف کنار گذاشتن یارانه و یا برطرف نمودن آثار مخرب آن استفاده کند. و یا آنکه نظام، بررسی‌های خود را مستقر نموده و بر روی آن دسته از واردات که به تولیدکنندگان داخلی آسیب می‌زند، عوارض اضافی و یا عوارض جبرانی و یارانه‌ای وضع نماید (شیروی، ۱۳۹۸، ص ۱۵۹).

۸-۴- قیمت‌گذاری دوگانه برای انرژی

یکی از مسائل سیاست‌گذاری در بخش نفت، موضوع قیمت‌گذاری دوگانه است (موحد، ۱۳۹۳، ص ۷۸). رویه‌هایی در خصوص منابع طبیعی مشاهده می‌شود که بر اساس آن‌ها، قیمت‌های داخلی را پایین‌تر از آنچه نیروهای بازار مشخص می‌سازند، نگه می‌دارند. از آنجا که قیمت‌گذاری دو نرخی، هم‌سو و هماهنگ با قانون و مقررات سازمان جهانی تجارت نبوده است، پیدا کردن مکانیسم و سازوکارهای قابل‌قبولی که بتوان بر مبنای آن قیمت‌های داخلی را کمتر از قیمت جهانی نگه داشت و دسترسی به آن را کنترل نمود، معضلاتی را در پی داشته است (شیروی، ۱۳۹۸، ص ۸۵). موضوع قیمت‌گذاری دوگانه در مذاکرات الحاق به سازمان جهانی تجارت، آنجایی که جوامع خواهان عضویت خواسته شده تا از معرفی نظام دوگانه قیمت منصرف شوند، مطرح گردیده است.

در کل، قیمت‌گذاری دوگانه برای تولید محصولات فشرده نظیر کود شیمیایی، فلزات مناسب و مطلوب به نظر می‌آید. قیمت‌گذاری دوگانه، یک موضوع بحث‌برانگیز در مذاکرات الحاق جوامع واجد انرژی به سازمان جهانی تجارت تلقی می‌گردد و بعید بوده که سیاست مذکور به نوعی بتواند مغایر با قانون و مقررات سازمان جهانی تجارت

قرار گیرد (شیروی، ۱۳۹۸، ص ۸۷). لذا، زمانی که این امتیازات برای قیمت‌گذاری محصولات صادراتی اعمال می‌گردد، سیاست‌گذاری دوگانه به‌عنوان قانون و مقررات سازمان جهانی تجارت ممنوع شده؛ و گرنه به قوت خود باقی می‌ماند.

۸-۵- قوانین فنی و معیارها

هدف موافقت‌نامه موانع فنی فراراه تجارت، دوری از موانع غیرضروری تجارت، هماهنگی، همسان‌سازی قوانین فنی، رویه‌های ارزیابی مطابقت و شفافیت است. تمامی اعضاء سازمان جهانی تجارت بایستی اصول فنی دیگر اعضاء را نظیر اصول خود به رسمیت شناخته؛ اگرچه با اصول و قواعد آن‌ها تفاوت داشته باشد. نهادهای استاندارد در کشورها بایستی از اصول مشابه قواعد اجباری معین شده تبعیت کرده و از اعمال معیارهایی که موجب ورود آثار مخرب و غیرضروری بر تجارت می‌گردند، ممانعت نمایند. لذا، قوانین موافقت‌نامه مذکور به علت اصول فنی بسیار سختی که در آن موجود است، به شکلی می‌تواند موقعیت رقابتی آن‌ها را در دسترسی به بازار شرکای تجاری تحت تأثیر قرار دهد (شیروی، ۱۳۹۸، ص ۱۱۰).

۸-۶- سرمایه‌گذاری

موافقت‌نامه اقدامات سرمایه‌گذاری مرتبط با تجارت، به تدابیری اختصاص داشته که تجارت کالا را تحت تأثیر قرار می‌دهد و نیز اقداماتی را که به محدودیت و بی‌نظمی تجاری می‌انجامد، معین ساخته و تأکید داشته که هیچ عضوی قادر نیست اقداماتی را که برای خارجیان و کالاهای خارجی تبعیض‌آمیز باشد، اجرایی کند؛ به این معنا که از اصول رفتار ملی در گات تخلف نماید (نصیریان، ۱۳۹۷، ص ۶۵).

بنابراین، آن دسته از اقدامات سرمایه‌گذاری را که به محدودیت‌های مقداری انجامیده شود، غیرقانونی اعلام می‌دارد. از طرفی، موافقت‌نامه مذکور، اقداماتی که واردات شرکت را محدود یا هدف‌های شرکت جهت صادرات را معین و مشخص می‌سازد، ممنوع می‌نماید. الزامات موازنه تجاری یعنی کشورها می‌بایست سازمان جهانی تجارت و اعضاء آن را از کلیه تدابیر سرمایه‌گذاری که بر اساس موافقت‌نامه فوق نبوده، آگاه کنند. سازمان جهانی تجارت و عدم پوشش موضوعات تجاری نفت و انرژی: با وجود پیشرفت‌های صورت گرفته و آنکه سازمان جهانی تجارت نسبت به موضوعات انرژی منعطف‌تر گردیده است، همچنان برخی موضوعات حل نشده باقی مانده است (شیروی، ۱۳۹۸، ص ۷۱). من جمله آنکه تا به امروز تعریف حقوقی از لغت انرژی مطرح نشده و درنهایت، تعریفی از تجارت کالا و خدمات انرژی در حوزه موافقت‌نامه گات و تجارت خدمات موجود نیست.

شک و تردیدهایی در خصوص روش طبقه‌بندی انرژی وجود داشته که آیا انرژی و کالا در شمار خدمات قرار می‌گیرد؟ این چنین تمایزی نایستی نادیده انگاشته شود، به دلیل آنکه نوع برخورد موافقت‌نامه‌های گات و موافقت‌نامه‌های عمومی تجارت خدمات در خصوص این موضوع با تفاوت‌هایی همراه هستند (فاتح و حسینی صدرآبادی، ۱۳۹۵، ص ۳۳۲)؛ بنابراین، تجارت نفت با موضوعات بسیار سختی ارتباط پیدا می‌کند که سازمان جهانی تجارت به هیچ‌عنوان نمی‌تواند به سهولت آن را در کنترل خود دریاورد.

نفت از یک طرف با سرمایه‌گذاری خارجی ارتباط دارد که به هیچ‌عنوان نمی‌توان آن را از حقوق سرمایه‌گذاری جدا نمود و از طرفی نیز کالایی تجدیدنپذیر تلقی می‌گردد که استفاده بی‌رویه از آن، به‌واسطه تسهیل صادرات، نابودی این منابع را پرشتاب‌تر می‌سازد، بدون آنکه جایگزین مناسبی برای آن موجود باشد. جمعی از واردکنندگان و صادرکنندگان عمده انرژی، تقاضای رسمی به سازمان جهانی تجارت ارائه نمودند که بر مبنای آن، ضمن پذیرفتن

حقوق دارندگان ذخایر انرژی از سازمان می‌خواست ترتیباتی را مقرر نماید تا بر مبنای آن، جوامع در حال توسعه مکلف گردند بازارهایشان را برای تجارت آزادتری در خصوص انرژی در مبادلات جهانی بگشایند (شیروی، ۱۳۹۸، ص ۱۰۵).

۹- نتیجه‌گیری

انرژی در نظام تجارت جهانی از نظر نقش و اهمیت موضوع برای کلیه جوامع، چه تولیدکننده و چه مصرف‌کننده دارای حساسیت خاصی است. لذا با در نظر گرفتن نیاز روزافزون بشری به منابع از یک طرف و رو به افول بودن منابع مهم انرژی، به‌ویژه منابع فسیلی، از طرف دیگر، اهمیت و نقش بی‌بدیل منابع و کشف آن را مضاعف ساخته است. جهانی شدن بازار انرژی توسط سرمایه‌گذاری‌های بین‌المللی، قانون‌زدایی در بازارهای داخلی کشورها و رابطه جدید بخش انرژی کشورها با اقتصاد سیاسی جهانی بر اهمیت جایگاه آن در ارتباطات اقتصادی و تجاری فی‌مابین کشورها افزوده است.

شناخت جایگاه انرژی در سازمان جهانی تجارت برای ایران که به‌عنوان نخستین منبع درآمدی خود بر صادرات نفت و گاز اتکا پیدا کرده است، لازم به نظر می‌آید. مضاف بر آن، همیشه و همواره بخش نفت، نقش حیاتی را در اقتصاد کشور ایفا نموده و شواهد نشانگر آن بوده که در آینده قابل پیش‌بینی این بخش، همچنان به نقش و تسلط خود در عملکرد اقتصاد کشور ادامه دهد. در حال حاضر، تعداد بسیار زیادی از جوامع صادرکننده نفت در حال طی مراحل پیوستن به WTO هستند و همچنین در مصادیق متعدد از آن‌ها خواسته شده تا قواعد موافقت‌نامه‌های سازمان تجارت را در سیاست‌های انرژی خود اعمال دارند.

تصمیمات اتخاذشده در چهارچوب سازمان جهانی تجارت، در حال بر کشورهای غیر عضو هم اثر می‌گذارد. در طول سال‌های گذشته، توان تحرک جوامع غیر عضو در عرصه اقتصاد جهانی، کاهش چشم‌گیری پیدا کرده است. شاید کشوری در شرایط کنونی به این نتیجه دست یابد که هزینه پیوستن به WTO بیش از منافع آن بوده و ترجیح دهد که خارج از حلقه WTO باقی بماند؛ لیکن گزینه مذکور برای کشورهای صادرکننده نفت درست نیست؛ به دلیل آنکه کشورهای مذکور در صورت عضو نشدن، بدون آنکه قادر باشند بر نتیجه مذاکرات WTO اثر بگذارند، ملزم به تحمل پیامدهای اجرای توافق‌نامه‌های آن بر اقتصادشان هستند.

ضمناً شرایط الحاق به سازمان جهانی تجارت سخت‌تر می‌گردد و امکان دارد پیوستن به WTO برای کشوری که در حال حاضر شرایط آن را داشته، در آینده غیرممکن شود. اکثر قوانین و مقررات مرتبط با نفت در گات بدو به‌عنوان قوانین اختیاری معرفی شده؛ لیکن متعاقباً به شکل قواعد الزام‌آور به مجموعه قوانین سازمان جهانی تجارت افزوده شده‌اند.

جای دادن نفت در دوره‌های آینده مذاکرات، مطرح نمودن تبعیضی بوده که جوامع مصرف‌کننده در رابطه با این منبع مهم انرژی اعمال داشته و همچنین، مالیات‌ها و تعرفه سنگینی که بر واردات نفت و فرآورده‌های نفتی در جوامع مصرف‌کننده در نظر گرفته شده، سنگین و تبعیض‌آمیز به نظر می‌آید و سبب محدود شدن تقاضا و روند تجارت آزاد می‌گردد. تولیدکننده عمده نفت برای مطرح ساختن مخالفت خود با مالیات‌های بسیار بالای انرژی در جوامع مصرف‌کننده بایستی از چهارچوب سازمان جهانی تجارت و کلیه امکانات و ظرفیت‌های آن استفاده نماید؛ به این معنا که تولیدکنندگان نفت با هر نوع مالیات‌بندی جدیدی که تفاوت میان نفت و دیگر سوخت‌ها نظیر زغال‌سنگ یا گاز طبیعی را افزایش دهد، می‌توانند تحت عنوان تبعیض به چالش برخیزند.

کاهش درآمد نفت سبب کاهش درآمدهای بودجه عمومی گردیده و توازن بودجه دولت را به هم می‌زند که نتیجه اجتناب‌ناپذیر آن، بالا رفتن حجم پول و تورم بوده است. با در نظر گرفتن مطالبی که عنوان گردید، به نوعی می‌توان به این نتیجه دست یافت که در کشور ما رشد، تولید، سرمایه‌گذاری، اشتغال، تورم و درنهایت، رفاه اجتماعی، مستقیماً از عملکرد بخش نفت تأثیر می‌پذیرند. به همین سبب، توسعه صنعت نفت در لوای سازمان جهانی تجارت می‌تواند به توسعه رفاه عمومی و در نتیجه، مطلوبیت حکمرانی منجر شود.

در حالی که اکثر جوامع که در این خصوص صاحب امتیاز هستند، حتی مواد اولیه مورد نیاز واحدهای صنعتی‌شان را هم وارد می‌نمایند، دسترسی آسان ایران به تأمین مواد اولیه و در اختیار داشتن منابع عظیم و میادین بزرگ نفت و گاز در این کشور بلااستفاده و به شکل نیمه‌تعطیل واقع شده که علت مهم آن را بایستی در سوء مدیریت‌های هزینه‌ای و چالش‌های فضای کسب و کار و بی‌تفاوتی به برنامه‌های توسعه بنگاهی و کلان بخش پتروشیمی در سال‌های گذشته مشاهده نمود.

این وضعیت در صورتی بوده که تأکید مسئولان نفتی بیشتر بر توسعه ارزش افزوده در بخش پتروشیمی است تا در شرایط امروزی که تحریم نفتی ادامه داشته است، بتوان وابستگی به نفت خام را به طرز چشمگیری کاهش داده و در عین حال، بخش‌های مولد اقتصاد نفت را فعال کرد. درنهایت، این پژوهش در پاره‌ای از زمینه‌های خدمات نفتی که از اصلی‌ترین بخش‌های آن دربرگیرنده سرمایه‌گذاری و انعقاد قراردادهای بیع متقابل و توجه به صنایع بالادستی و پایین‌دستی و عملیات سوآپ است، مصادیقی اشاره گردید که با در نظر گرفتن اصول سلسله‌ساختار سازمان جهانی تجارت، مزیت پیوستن به سازمان به نوعی می‌تواند زمینه‌های توسعه و پیشرفت کشور را در بخش نفت و گاز به دنبال داشته و موضوعات اساسی این الحاق نظیر آزادسازی نرخ کالا و خدمات، کاهش نرخ ارز، کاهش بهره بانکی و لغو انحصارات دولتی و کاهش عوارض گمرکی را در پی داشته باشد. آزادسازی قیمت‌گذاری کالا و خدمات می‌تواند سبب مهیاسازی اقتصاد کشور در فرایند ملحق شدن ایران بعد از انتخاب کارگروه مذاکره شود.

به‌طور کلی می‌توان وجود برخی امتیازات خاص (نظیر افزایش حجم سرمایه‌گذاری خارجی، بالا بردن رقابت‌پذیری و بهره‌وری، توانایی پیشبرد اصلاحات داخلی با وجود مخالفت‌های گروه‌های ذینفع و غیره)، منافع عمومی (برخوردار شدن از فرصت‌های جهانی، انتقال تکنولوژی به کشور، وارد شدن کشور به عرصه تصمیم‌گیری‌های اقتصادی جهانی و غیره) و ایجاد استانداردهای بین‌المللی (ایجاد تکنولوژی‌های نوین برای بالا بردن توان رقابت، بهبود فرایندها و در مجموع، پیشرفت علم و غیره) را از جمله مبانی الحاق ایران به سازمان جهانی تجارت دانست.

منابع

- اکبریان، رضا. (۱۳۹۱). WTO و نقش آن در جهانی شدن اقتصاد. *اطلاعات سیاسی و اقتصادی*، ۱۶(۹).
- الیاسی، حمید. (۱۳۹۰). *ایران و عضویت در سازمان جهانی تجارت بازرگانی با یک بحث انتقادی* (چاپ اول). انتشارات اطلاعات سیاسی و اقتصادی.
- امیدبخش، اسفندیار، و طارم سری، مسعود. (۱۳۹۲). *آشنایی با موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت "گات" و بررسی تبعات الحاق ایران به آن*. مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
- بزرگی، وحید. (۱۳۹۶). *دیپلماسی تجاری از اهداف تا ابزارها* (چاپ اول). تهران: نشر نی.
- بزرگی، وحید، و موسوی دهموردی، سید محمدرضا. (۱۳۹۳). *دیپلماسی اقتصادی و الحاق ایران به سازمان جهانی تجارت*. فصلنامه سازمان‌های بین‌المللی، ۲(۷).
- جوادی ارجمند، محمدجواد. (۱۳۹۶). *جهانی شدن اقتصاد و پیامدهای آن بر سیاست‌گذاری خارجی ایران*. فصلنامه سیاست، ۳۷(۳).

- حق، محمدعلی. (۱۳۹۹). آشنایی با سازمان جهانی تجارت. نشریه صنایع نساجی، (۷).
- درخشان، مسعود. (۱۳۹۹). منافع ملی و سیاست‌های بهره‌برداری از منابع نفت و گاز. مجلس و پژوهش، ۹(۳۴).
- راسخی لنگرودی، احمد. (۱۳۹۵). موج نفت، تاریخ نفت ایران از امتیازات تا قرارداد (چاپ اول). تهران: انتشارات اطلاعات.
- رشیدی، علی. (۱۳۹۴). طرز پیوستن به سازمان جهانی تجارت. نشریه اتاق بازرگانی، (۴).
- زیرک، معصومه. (۱۳۹۴). تحلیل پیامدها و دستاوردهای تجاری جهانی شدن منطقه گرایی و الحاق ایران به سازمان جهانی تجارت. مجله اقتصاد و مهندسی مسائل و سیاست‌های اقتصادی، (۸۳).
- سنائی، اردشیر. (۱۳۹۳). ایران و سازمان جهانی تجارت، بیستمین و نوی آمریکا. گزیده تحولات جهان، (۳۱).
- شهبازی، آرامش. (۱۳۹۸). پیوند میان بخش انرژی و مقررات سازمان جهانی تجارت. مجله مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی، (۱۶).
- شیروی، عبدالحسین. (۱۳۹۳). حقوق نفت و گاز (چاپ اول). تهران: نشر میزان.
- شیروی، عبدالحسین. (۱۳۹۸). سازمان جهانی تجارت. مجله مجتمع آموزش عالی قم، ۱(۴).
- صلاحی، اسماعیل، و شکرالهی، فتنه. (۱۳۹۶). صنایع ایران و تجارت جهانی، تهدید و یا فرصت. فصلنامه آموزش و مهندسی ایران، (۳۴).
- غیبی، اکرم. (۱۳۹۵). نفت و سازمان جهانی تجارت. فصلنامه بررسی‌های اقتصاد انرژی، ۲(۳).
- فاتح، علی، و حسینی صدرآبادی، ایرج. (۱۳۹۵). رویکرد سازمان جهانی تجارت نسبت به انرژی تجدیدپذیر. مطالعات حقوق انرژی، (۲).
- فتحی، یحیی. (۱۳۹۱). وضعیت تجارت خارجی ایران در چهارچوب مقررات سازمان جهانی تجارت. از سری مقالات پژوهشی مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی ایران، (۴).
- فرح‌سا، فرح. (۱۳۹۵). فرایند حل و فصل اختلافات سازمان جهانی تجارت در حوزه نفت. نشریه بررسی‌های اقتصادی انرژی، (۵).
- فیروزی، مهدی. (۱۳۹۴). الحاق ایران به سازمان جهانی تجارت و پیامدهای آن بر مقررات صادرات و واردات. علوم اجتماعی، روش‌شناسی علوم انسانی، (۴۴).
- کیمیجانی، اکبر. (۱۳۹۴). تحلیلی پیرامون تجارت تجربه عملی پیوستن برخی از کشورها به سازمان جهانی تجارت و آثار اقتصادی الحاق ایران به آن. معاونت امور اقتصادی، وزارت امور اقتصادی و دارایی، (۵).
- موحد، محمدعلی. (۱۳۹۳). نفت ما و مسائل حقوقی آن (چاپ اول). تهران: انتشارات خوارزمی.
- نصیریان، محمد مهدی. (۱۳۹۷). گات ۵۰ سال گذشت. مجله برنامه و بودجه، ۳(۳۱).
- نوراحمدی، مهدی، سعدی، حسین علی، سجادیان، ولی احمد، و امانی، مسعود. (۱۳۹۶). شکست بازار در تحقق تولید صیانتی نفت در بستر نظریه قرارداد. دو فصلنامه جستارهای اقتصادی ایران با رویکرد اقتصاد اسلامی، ۱۳(۲۶)، ۱۲۳-۱۵۰.
- نیک‌بخت، حمیدرضا. (۱۳۹۶). آثار قوه قاهره و انتفای قرارداد. مجله حقوقی، (۲۱).

